

پوپولیسم و سیاست ایران

علی اکرمی

aakrami@hotmail.com

هیچ جنبش سیاسی از پوپولیسم بی بهره نیست، چرا که هیچ دولتی بدون حمایت حداقلی "مردم" توانایی مقابله با دشمنان را ندارد، اما بهره مندی از حمایت مردم در بلند مدت چندان با پوپولیسم امکان پذیر نیست و پوپولیسم اگر چه در سالهای تاسیس مسکنی آرامش بخش برای حاکمان است اما در دوران تثبیت استفاده از این مسکن در عمل فقط دست و پاگیر حکومت و ناگزیر کننده دولتها به اتخاذ راهکاری متفاوت برای پاسخگویی به مطالبات جامعه است.

فردای انقلاب سه راه بیشتر پیش روی انقلابیون نیست

۱- حرکت به سمت فاشیسم و قلع و قمع کلیه مخالفان با خشونت تمام

۲- تداوم راه و رسم شعارواره انقلاب با راهکارهای پوپولیستی

۳- دفن ذهنواره های انقلابی و تاسیس جامعه دموکراتیک

ایران حداقل بیش از ربع قرن است با نوزایی مکرر پوپولیسم روبرو می شود و از منظر کلی در دوران پس از انقلاب ایران تا امروز راهبرد دوم با اتخاذ راهکارهای پوپولیستی مکررا بازتولید شده است، حاکمیت ایران پس از انقلاب ۵۷ حداقل تا دو سال اول که میان خواسته های ولو غیر منطقی مردم انقلابی در برابر اصلاح طلبان غیر انقلابی به صراحت جانب طرفداران خود را می گرفت هیچ مخالفت جدی - بجز از جانب لیبرالهای اصولگرایی نظیر بازرگان- را پیش رو نداشت و در دوران جنگ با توجه به نیازی که برای جلب حمایت توده مردم وجود داشت پوپولیسم و کاریزما، متحداً وظیفه تهییج مردم برای حضور در میدان جنگ را بر عهده داشتند.

در اولین هشت سال پس از پایان جنگ، هاشمی رفسنجانی تلاشهایی ناکافی برای حرکت به سوی جامعه شبه دموکراتیک انجام داد. اما آرمانشهر التقاطی وی نه شباهتی به مدینه فاضله اقتدارگرایان و محافظه کاران سنتی داشت و نه مطلوب اصلاح طلبان کهنه کار و تازه تاسیس قرار گرفت. نتیجتاً این دو گروه هرکدام با یکی از دو سلاح باقیمانده به کارزار انتخابات دوم خرداد وارد شدند.

یک گروه پایه قدرت خود را چنان محکم می پنداشت که برای تثبیت قدرت خود و اعمال اقتدارگرایی مورد نظرش نیاز چندان به توجه به خواست "عوام" نمی دید و گروه دیگر تیزهوشانه با درک این نقطه ضعف حریف توانستند با روشهای پوپولیستی جنبشی عظیم را خلق کنند .

درصد بسیار بالای آرای آقای خاتمی در انتخابات برای بسیاری از هواداران وی تا سالها و شاید هنوز نیز چنان طعم شیرینی داشت که از نتیجه منطقی آن غافل شدند.

آرای بالای گروههای مختلف جامعه به یک فرد نشان از امید بستن گروههای مختلف به این فرد یا تفکر برای برآورده کردن مطالباتشان است. مطالباتی که دامنه تنوع گسترده شان عملاً امکان اجرای همه آنها را ناممکن می سازد علی الخصوص که برآوردن مطالبات محافظه کارانی که به دیگر تفکر نیز رای داده بودند نیز بر برآوردن مطالبات حامیان اولویت داده شود.

اگرچه نقادان بسیاری معتقدند که جنبش دوم خرداد به دلیل عدم استفاده غلیظ از شعار احیای ارزش‌های غیرمادی و معنوی - به‌ویژه ارزش‌های دینی - و گرایش تخصص‌گرایی و نخبه‌گرایی فکری فاقد مولفه‌های کلاسیک یک جنبش پوپولیستی است اما تکیه خواسته و ناخواسته تاثیرگذاران این جنبش بر حصول سریع "مردم" به خواسته‌های سیاسی و اجتماعی شان و همچنین تاکید بیش از حد بر کاریزمای شخصیتی آقای خاتمی و مشخصات فیزیکی عوام انگیزانه ایشان به تنهایی برای هژمونیک کردن پوپولیسم بر فضای این جنبش کفایت می نمود.

باور بسیاری از شرکت کنندگان در انتخابات دوم خرداد این بود که مطمئناً دولت خاتمی حلال مشکلات عمده آنان است و این باور علی‌الخصوص در میان دانشجویان، جوانان و زنان که اغلب خواسته‌هایی سیاسی و اجتماعی داشتند ظهور و بروز چشمگیرتری می یافت.

در حالی که تئوریسین‌های دوم خردادی در هراس از خطر ظهور فاشیسم، راه حل غیر منطقی تقویت پوپولیسم را برگزیده بودند. ناتوانی و ضعف رهبر کاریزماتیک جنبش پوپولیستی دوم خرداد (که هرگز نمی خواست در این مقام باشد اما از شناخته شدن با این عنوان نیز ناراضی نبود) در برآورده کردن مطالبات متنوع حامیان دیروزش به سرعت به انزوای گروهی و انفعال گروهی دیگر از پدید آورندگان این جنبش منجر شده و دوباره فضایی مناسب برای تغییر گفتمان ادامه حیات جمهوری اسلامی بوجود آمد

اینبار سیاستگذاران و تصمیم سازان رقیب نشان دادند که بسیار بیشتر از تمام روشنفکران دوم خردادی پیام جامعه شناختی "دوم خرداد" را فهمیده اند. بجای تاکیدات هواداران ناطق نوری در انتخابات هفتم بر وظایف "خواص" اینبار حامیان احمدی نژاد مجدداً به بحث تهییج "عوام" روی آوردند. ظهور دوباره شعارهای پوپولیستی و نقدهای عوام پسندانه از ضعفهای دولتهای قبلی که اوج آن با شعار "مردی از جنس مردم" تبلور می یافت به تغییر رئیس دولت و بر مسند نشستن "مردی هم قد مردم" انجامید.

مختصات عوام گرایی تبلیغی دولت نهم با نئو پوپولیسم جدیدی که در اواخر قرن بیستم در برخی کشورهای غربی رایج بود شباهتهایی غیر قابل انکار دارد، منجمله یکی از ویژگی‌های اصلی آن ضدیت با احزاب سیاسی، ضد نهادگرایی، ضدیت با نظام‌ها و برنامه‌های حزبی است این وجه جعلی که در برخی از جوامع غربی بقول پل تاگارت واکنشی است نسبت به نوع خاصی از نظام حزبی که در درون نظام لیبرال دموکراتیک معاصر وجود دارد. در ایران بدون وجود دشمنی خاص در حال جعل دشمنانی از جنس لیبرال دموکرات غربی برای عوام انگیزی می باشد.

دولت نهم تاکنون سعی داشته با ارائه نسخه‌های ساده برای مشکلات پیشرفته و راه‌حلهای مردم پسند برای پایان دادن به ناعدالتی‌ها و ... و بعضاً انجام فعالیتهای نمایشی نظیر دیدارهای مکرر و رودر رو و جمع آوری میلیون‌ها نامه و درخواست از مردم تلاشهایی در ادامه روند عوام‌گرایانه خود داشته باشد و حداقل با پرهیز از تکرار اشتباهات خاتمی، طبقات اجتماعی و سیاسی اصلی طرفدار خود را راضی تر از مخالفان نگاه می دارد و در تبلیغ تغییر وضعیت طبقات نابرخوردار در نتیجه اقدامات دولت کریمه نیز از هیچ تبلیغی فرو گذار نمی کند.

اما اینبار نیز عوامگرایی بسرعت در حال فرو رفتن در باتلاق ناگزیری است که معمولاً پایان کار دولتهای پوپولیست است، تورم به عنوان دشمن شماره یک پوپولیسم و عامل ناتوان ساختن حاکمان از توزیع خدماتی تبلیغی در میان جامعه اگرچه با بالا رفتن قیمت نفت در سال اول جبران شده بود، اما رشد متناظر توقعات مردم همراه با این افزایش درآمدها مجدداً دولت را در مسائلی نظیر گران شدن و سهمیه بندی بنزین و یا مسکن و سایر کالاهای ضروری در برابر خواست مردم قرار داده است. و این مشکل با تهدید و متهم ساختن بانکهای خصوصی وحتی تسکین نیز نمی یابد.

افزایش نرخ تورم دولت عوامگرا را در تحقق شعارهایش با معضل روبرو می کند و این معضل به قیمت ایجاد بحران در کشور نظیر بحرانی که در روزهای اخیر و پس از افزایش قیمت بنزین رخ داد، خواهد شد.

لذا راه حل اصلاح طلبانه مقابله با پوپولیسم را باید در فضایی دیگر جست ، برخلاف قواعد کلاسیک که بر تضاد پررنگ پوپولیسم و فاشیسم تاکید داشتند در سالهای اخیر نئو پوپولیسم همزیستی شایان توجهی با

نئو فاشیسم در برخی کشورها نمایش داده است تنها وجه مهم و بنیادی پوپولیسم که هنوز نیز در قالب کلاسیک آن وجود دارد مخالفت اساسی آن با لیبرالیسم است. درحالی که سیاست مبتنی بر نمایندگی و لیبرالیسم متکی بر فرد هستند، پوپولیسم دیدی جمع گرایانه دارد و به جامعه به عنوان کلیتی ارگانیک می نگرد، و در زمانی که لیبرالیسم به حقوق افراد توجه دارد و از این حقوق در برابر دخالت دولت دفاع می کند پوپولیسم مخالف این نگرش است. به زعم پوپولیست ها حقوق فردی، ابزار دست اقلیت های معارض است و مهمترین پادزهر فاقد عوارض سوء جانی که در برابر تبلیغات عوام انگیزانه پوپولیستهای می توان تجویز نمود تبلیغ حقوق فردی و آزادی های لیبرالی در جامعه است.